

■ چکیده

مهر انگشتر یکی از متداول‌ترین مهرهای سلطنتی در تشکیلات دیوانی و اداری دوران صفویه است. با این حال، مطابق *مهرنامه شاه سلیمان صفوی*، این مهر از دوران شاه عباس اول ابداع شده و در دوران شاه عباس دوم نمونه‌ثانی آن نیز ساخته و استفاده می‌شده است. استفاده همزمان از دو مهر انگشتر در میان مهرهای دیوانی دوران صفویه تاکنون مطرح نبوده است و شناخت دقیق آنها می‌تواند در مطالعات سندشناسی و مهرشناسی اسلامی مفید واقع شود.

هدف پژوهش: هدف این مقاله بررسی مشخصات ظاهری و دیوانی مهر انگشتر سلاطین صفوی از شاه عباس اول تا شاه سلیمان است.

روش/ رویکرد پژوهش: این مقاله، با ماهیت و روش تحقیق تاریخی-توصیفی و تطبیقی، و بر پایه منشآت و متون دست اول تاریخی و تحقیقی نوشته شده است.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: مهر انگشتر سلاطین متأخر صفوی، در متون تاریخی و منشآت دیوانی، بیشتر با عنوان «مهر کوچک» یا «مهر کوچک انگشتر» شناخته شده است. هویت دیوانی این مهر در دوران شاه عباس اول بسیار برجسته شده است و بیشتر مخصوص مهر کردن ارقام و احکامی بود که به صورت شفاهی از سوی پادشاه صادر می‌شد. همچنین، شغل «واقع‌نویس» (مجلس نویس) و «دواتدار مهر انگشتر آفتاب اثر» مهم‌ترین مناصبی است که به‌طورمستقیم با مهر انگشتر سلاطین صفوی مربوط بوده است و طغرای سیاه‌رنگ «حکم جهان‌مطاع شد» بارزترین نشانه حضور این مهر در پای اسناد و مکاتبات به‌شمار می‌رود. به این مهر می‌توان «مهر رقم یا مهر فصول» نیز گفت. به‌نظر می‌رسد مهر انگشتر دیگری که از روی این مهر در دوره شاه‌عباس‌ثانی با عنوان «مهر انگشتر کوچک» ساخته شده، برای مدتی به‌جای مهر کوچک انگشتر در تهیه جواب‌های فصول مورد استفاده قرار گرفته است. در عین حال، استفاده نامنظم و عمر کوتاه دیوانی این مهر از جمله نشانه‌هایی است که جایگاه و کاربرد واقعی آن را در نظام دیوانی صفوی تا اندازه‌زیادی کاهش داده است.

کلیدواژه‌ها

مهرشناسی، مهرهای حکومتی، مهر انگشتر، سلاطین دوره صفویه، نظام دیوانی.

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و پنجم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۴)، ۵۷، ۴۸-

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۳ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۸

مهر انگشتر سلاطین متأخر صفوی

محمدصادق میرزاالبوقاسمی^۱

مقدمه

«مهر انگشتر» یا «مهر انگشتری» اصطلاحی در تعریف نمونه‌ای از مهرهای شخصی است که معمولاً به صورت انگشتر تعبیه می‌شوند. فنون ساخت این مهرها، به‌طور طبیعی با ساخت انگشتر و مراحل آن اعم از رکاب‌سازی و تراش نگین و حکاکی تفاوتی ندارد، اما لازم است عبارت روی آنها، مطابق با کارکرد مهرها، از چپ به راست تحریر و حکاکی شود. همچنین، اظهار «عبارت نام» در ضمن عبارت روی مهر انگشترها امری معمول و متعارف بوده است.

انگشتر، و به‌تبع آن مهر انگشتر، متداول‌ترین نوع زیور و زینت مردانه نیز هست و همیشه وجه شایان توجهی از اقبال بدان به باورهای عقیدتی و مذهبی استفاده از انگشتر مانند خوش‌یمنی، برکت، محافظت، و سعادت مربوط می‌شود. مهر انگشتر، شاخصه هویت، به‌خصوص شوکت و قدرت و سلطنت نیز به‌شمار رفته و معمولاً یکی از عناصر نمادین تاج‌وتخت سلاطین بوده است. از همین رو، مهر انگشتر از مهم‌ترین مهرهای سلطنتی در تشکیلات دیوانی و اداری حکام در دوران مختلف محسوب می‌شد. آداب مهرداری و شرایط استفاده از این مهر نیز پیرو ترتیبات ویژه‌ای بوده است.

استفاده از مهر انگشتر در میان سلاطین صفویه نیز امری متداول بوده و لااقل از دوران انسجام تشکیلات اداری و دیوانی صفوی این نمونه از مهر به‌عنوان یکی از مهرهای حکومتی محسوب شده است. در رساله‌ای منحصربه‌فرد، که در توضیح فهرست مهرهای حکومتی شاه

۱. استادیار دانشکده هنر و معماری
دانشگاه شیراز.
abolqasemi.s@gmail.com



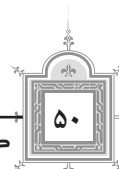
سلیمان نوشته شده، اطلاعات درخور توجهی از این مهر و کارآیی آن در نظام دیوانی دوران صفویه وجود دارد. اهمیت و ارزش تحقیقی این رساله در میان منابع مهرشناسی صفویه در این است که مؤلف آن با استناد به منشآت دیوانی و اطلاعات تجربی خود مشخصات تمام مهرهای شاه سلیمان صفوی را بعد از جلوس دوم او تشریح کرده و با نمونه‌های پیشین مطابقت داده است. در این رساله، از دو مهر انگشتر مختلف، اما مربوط سلاطین متأخر صفوی با عناوین «مهر کوچک انگشتر مبارک» و «مهر انگشتر کوچک» یاد شده است. استفاده از مهرهای متعدد حکومتی در قالب انگشتر چندان عجیب به نظر نمی‌رسد، اما متعارف این طور بوده است که محققان در میان مهرهای سلطنتی پادشاهان صفوی اصطلاح «مهر انگشتر» را یک مهر خاص با کارآیی ویژه آن بدانند و بشناسند.

در هر صورت، وجود دو مهر از این دست در میان مهرهای دیوانی صفوی این مسئله را پیش می‌آورد که عبارات «مهر کوچک» و «مهر انگشتر» و «مهر مربع انگشتر» و نظایر آن، که در نوشتار متون تاریخی صفوی برای مهرهای سلاطین متأخر صفوی، به خصوص شاه سلیمان معمول است و تا پیش از این در تحقیقات مربوط معمولاً یکسان پنداشته می‌شد، اطلاق به کدام یک از این مهرها بوده است. همچنین، کاربرد هر کدام از این مهر انگشترها چه بوده است و تشخیص آنها از یکدیگر چگونه ممکن خواهد بود. براین اساس، منظور از نوشتن این مقاله بررسی جوانب مختلف مهر انگشتر سلاطین صفوی از شاه عباس اول تا شاه سلیمان با استناد به منشآت و رسالات دیوانی و برخی متون تاریخی خواهد بود. این مقاله به روش تاریخی-توصیفی و تطبیقی، و بر مبنای گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای نوشته شده است. همچنین، تلاش بر این بوده تا در این مقاله به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- مشخصات «مهر کوچک انگشتر» و «مهر انگشتر کوچک» سلاطین دوره صفویه از شاه عباس اول تا شاه سلیمان چیست و وجه اشتراک و افتراق آنها از یکدیگر چگونه است؟
- نقش و جایگاه «مهر کوچک انگشتر» و «مهر انگشتر کوچک» در نظام دیوانی صفوی از شاه عباس اول تا شاه سلیمان چگونه بوده است؟

مهر کوچک انگشتر

همانطور که می‌دانیم اساس سازمان اداری و دیوانی صفویه در دوره حکومت شاه طهماسب اول (حک ۹۳۰-۹۸۴ق.) نضج گرفته است. شاه طهماسب در انتظام مهرهای حکومتی، به خصوص تنوع و کارکرد آنها، نیز نقش شایان توجهی داشته است. این مسئله، از پاره‌ای نکات مطروحه در متون تاریخی و منشآت دیوانی مربوط معلوم می‌شود. برای نمونه، در مقدمه باب دوم منشآت کتابخانه ملک، که به دستورالعمل دیوان اعلی می‌پردازد، آمده



است: «دستورالعملی است که نواب شاه جنت مکان علین آشیان شاه طهماسب - طب ثراه - قرار داده» (منشآت (نسخه خطی)، شماره ۶۲۹۳، ص ۱۳؛ همچنین، نک: منشآت سلیمانی، ۱۳۸۸، ص ۲۸؛ بوسه، ۱۳۶۷، ص ۸۰؛ قائم مقامی، ۱۳۵۰، صص ۲۵۵-۲۵۶). اتفاقاً در مقدمه «مهرنامه شاه سلیمان» نیز آمده که این مهرها «موافق دستورالعمل نواب جنت مکان علین آشیان بر احکام مختلف زده می شود»^۱. در عین حال، مطابق محتوای همین رساله، «مهر کوچک انگشتر» در زمان شاه طهماسب وجود نداشته است و سابقه استفاده از آن در دستگاه دیوانی صفویه حداکثر به اوایل سده یازدهم ق.، یعنی دوران حکومت شاه عباس اول می رسد (منشآت (نسخه خطی)، شماره ۳۴۵۵ مجلس، ص ۳۵۲)^۲.

طرح مهر کوچک انگشتر به ابداع شغل «مجلس نویس» در سازمان اداری و دیوانی دوره صفویه مربوط می شود. وظیفه اصلی دیوان حکومتی صفویه صدور احکام و فرمان های دولتی و انجام مکاتبات رسمی و مسئولیت آن بر عهده «منشی الممالک» بوده است. این سازوکار از اوایل حکومت صفویه، حتی پیش از آن، در تشکیلات حکومتی ایران متداول بوده است، اما از اوایل سده یازدهم قسمتی از وظایف دیوانی منشی الممالک به شخصی موسوم به «واقعہ نویس» یا «مجلس نویس» محول شده است. به نظر می رسد شغل واقعہ نویسی از همان آغاز با اقبال مواجه شده و از ارج و قرب والایی برخوردار بوده است. برخی سیاحان اروپایی که دربار پادشاهان صفوی بعد از شاه عباس اول را دیده اند از اهمیت و جایگاه این مقام یاد کرده اند و آن را «وزیر دست چپ» یا «منشی اعظم» پادشاه خوانده اند (نک: مینورسکی، ۱۳۷۸، صص ۹۵-۹۶؛ بوسه، ۱۳۶۷، ص ۸۹؛ فلسفی، ۱۳۷۵، ج ۱-۲، ص ۸۱۴). در رساله تذکره الملوک نیز آمده است: «در میان ارباب قلم به غیر از وزیر اعظم در رتبه خدمت و تقرب زیاده بر واقعہ نویس دیگری نیست و همیشه از قدیم الایام واقعہ نویسان در خدمت پادشاهان در مجالس خاص و عام می نشستند و در تحقیق امور جزئی و کلی سخن واقعہ نویسان و عرض ایشان مناط و معتبر بوده» (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸، ص ۱۶).

فصل دوازدهم از باب دوم این رساله، همچنین، رساله دستور الملوک به تفصیل مشاغل و وظایف واقعہ نویس را در تشکیلات اداری صفویه توضیح می دهد (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸، صص ۱۵-۱۶؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵، صص ۲۰۴-۲۰۵). یکی از مهم ترین این وظایف عرضه مکاتباتی موسوم به «فصول» در پیشگاه پادشاه و انشای جواب آنها بوده است. «فصول» به مکاتبات و گزارش های حکام ولایات ایران گفته می شده است و پاسخ بدان، که در متون و منشآت صفوی گاه به «جواب فصول» موسوم است، معمولاً به صورت زبانی و شفاهی از سوی پادشاه بیان می شد. بسیاری از عرایض و ارقام و احکام دیگر نیز در دربار شاهان

۱. «نواب جنت مکان علین آشیان»

عبارتی است که معمولاً در متون تاریخی صفوی برای شاه طهماسب اول به کار برده می شود.

۲. در منشآت سلیمانی نیز بر این موضوع تأکید شده است (نک:

منشآت سلیمانی، ۱۳۸۸، ص ۳۸؛

منشآت (نسخه خطی)، شماره ۶۲۹۳، ص ۳۴؛ میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۴،

صص ۸۷ و ۸۹). البته این موضوع بدین معنی نیست که شاهان صفوی

تا پیش از شاه عباس مطلقاً مهر انگشتر نداشته اند. به نظر می رسد «ابداع»

این مهر متناسب با کارایی دیوانی تازه ای که برای آن در دوره شاه عباس

تعریف شده است قابل توجیه باشد.



صفوی به همین ترتیب یا در اصطلاح «بالمشافهه» صادر می‌شد و ثبت و ضبط آنها بر عهده واقعه‌نویسان بود. عبارت «مجلس نویس» نیز از همین جهت به واقعه‌نویسان اطلاق شده است و «انیس و جلیس مجالس خاص و عام» بودن آنها در محضر پادشاه از همین روی بوده است (نک: میرزا سمیعا، ۱۳۷۸، ص ۱۶). در هر صورت، مطابق «مهرنامه شاه سلیمان صفوی» و منشآت مشابه آن، مهر کوچک انگشتر بیشتر برای این نوع از اسناد قابل استفاده بوده است و از همین جهت با مقام مجلس نویس یا واقعه‌نویس ارتباط مستقیم داشته است.

تقسیم وظایف دیوانی میان منشی‌الممالک و مجلس نویس در دوران شاه عباس اول، منجر به اصلاح یا ابداع برخی قوانین جاری در دیوانخانه صفوی نیز شده است. یکی از این موارد در کشیدن طغرای ارقام حکومتی پیش آمده و طغرای «حکم جهان مطاع شد»، که تا پیش از این مختص منشی‌الممالک بود و به رنگ سرخ بر آغاز حکم‌های مربوط به دیوانیگی تحریر می‌شد، با تغییر رنگ از سرخ به سیاه در اختیار مجلس نویس قرار گرفته است (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸، ص ۱۵، میرزا رفیعا، ۱۳۸۵، ص ۲۰۴، منشآت (نسخه خطی)، شماره ۳۴۵۵ مجلس، ص ۳۵۲). در ضوابط اجرایی مکاتبات دیوانی این دوران تحریر طغرای اسناد بر مهور کردن آنها مقدم بوده است. بنابراین، طغرای سیاه «حکم جهان مطاع شد» نه تنها با مهر کوچک انگشتر مربوط بوده است، بلکه صحه و راهنمایی برای مهردار مخصوص این مهر در استعمال آن بر اسناد و مکتوبات مربوط محسوب می‌شد.

روایت‌های مختلفی از نحوه استفاده، نگهداری، و محافظت از مهرهای حکومتی سلاطین صفوی از آنها بیان شده است (نک: شاردن، ۱۳۴۵، ج ۸، صص ۳۲۵-۳۲۶؛ سانسون، ۱۳۴۶، ص ۵۳؛ فلسفی، ۱۳۷۵، ج ۱-۲، ص ۸۲۱). با این حال، به نظر می‌رسد بخش شایان توجهی از این وظایف بر عهده مناصب رسمی موسوم به «مهردار» و «دواتدار» بوده است. در رساله تاذکرة الملوک، ضمن معرفی مناصب مذکور، از متصدی مخصوص مهر کوچک انگشتر با عنوان «دواتدار مهر انگشتر آفتاب اثر» سخن رفته و درباره وظیفه اصلی او آمده است: «ارقام بیاضی و دفتری را واقعه‌نویسان طغرا می‌کنند، مشارالیه به مهر مهر آثار می‌دهد» (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸، ص ۲۶). صاحب این منصب، در مجلس عام در صف قورچیان بعد از دواتداری دیگر موسوم به «دواتدار بزرگ» می‌ایستاده و مقام و مزایا و مواجی کمتر از او داشته است. دواتدار بزرگ، مسئولیت مهر کردن ارقام و احکام و پروانجاتی را داشته است که از طرف منشی‌الممالک صادر می‌شده است. از عنوان و وظیفه این منصب چنین بر می‌آید شغل دواتداری «مهر انگشتر آفتاب اثر» یا همان مهر کوچک انگشتر نیز با تقسیم وظایف منشی‌الممالک و ابداع شغل واقعه‌نویسی از منصب دواتداری منشعب شده است. شاید از همین رو باشد که به دواتدار مخصوص ارقام منشی‌الممالک «دواتدار قدیمی» نیز



گفته‌اند (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸، ص ۲۶؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵، صص ۲۵۲-۲۵۳).
برای این مهر، به‌جز «مهر کوچک انگشتر» و «مهر انگشتر آفتاب اثر» از عناوینی دیگر
مانند «مهر کوچک» و «مهر مهر آثار»، «مهر انگشتر مبارک»، «مهر کوچک مربع»، و «مهر
مربع انگشتر» استفاده شده است (بیاضی صفوی، ۱۳۸۷، صص ۳۸-۶۱). این عناوین بیشتر
معطوف به ظواهر این مهر بوده است. پیتر و دلاواله نیز از مهر انگشتر شاه عباس اول با عنوان
«مهر کوچک» یاد کرده است (بوسه، ۱۳۶۷، ص ۸۶). شاردن نیز مهرهای شاه سلیمان را در دو
دسته مهرهای بزرگ و کوچک تقسیم کرده و واقعه‌نویس را به‌نوعی مأمور تحریر و تنظیم
احکامی دانسته است که باید با مهر کوچک ممهور شوند (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۸، صص ۳۲۴-
۳۲۵ و ۳۲۸). او همچنین آورده است که به این مهر مطابق با عبارت سرآغاز اسناد مربوط بدان،
یعنی طغرای حکم جهان مطاع شد، مهر «حکم جهان مطاع» نیز اطلاق می‌شد (شاردن، ۱۳۴۵،
ج ۸، ص ۳۳۲).

نام‌گذاری یا شهرت مهرهای دیوانی بر مبنای طغرای مربوط به آنها کاملاً منطقی به‌نظر
می‌رسد و گفته‌شاردن در این باره درست می‌نماید؛ برای مثال، اصطلاح «مهر شرف نفاذ» یا
«مهر شرف نفاذ یافت» در منشآت مربوط به دوران صفوی متأثر از طغرای «فرمان همایون
شرف نفاذ یافت» نامیده شده است. با این همه، به نظر می‌رسد چون طغرای «حکم جهان مطاع
شد» در دو صورت سرخ و سیاه بر دو نوع از اسناد متفاوت تحریر می‌شد و هر کدام از
این اسناد، مهر مخصوص خود را داشته‌اند، عبارت «مهر حکم جهان مطاع شد» برای مهر
کوچک انگشتر چندان متداول نشده است. چون این مهر برای ممهور کردن برخی ارقام
استفاده می‌شده است به «مهر رقم» یا «مهر کوچک رقم» نیز خوانده شده است (منشآت (نسخه
خطی)، شماره ۳۴۵۵ مجلس، صص ۳۴۹ و ۳۵۲؛ میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۴، صص ۹۱ و ۹۳؛
بیاضی صفوی، ۱۳۷۸، صص ۴۴-۴۵).

مطابق مهرنامه شاه سلیمان صفوی، شکل مهر کوچک انگشتر شاه عباس اول و اخلاف
او مربع بوده است و شاه سلیمان آن را بادامی شکل کرده است (منشآت (نسخه خطی)، شماره
۳۴۵۵ مجلس، ص ۳۵۲). در منشآت سلیمانی نیز تأکید شده که شکل مهر کوچک انگشتر
از قبل مربع بوده و حال محرابی است (منشآت سلیمانی، ۱۳۸۸، ص ۳۸)، اما در فهرست
مشابه و معتبر دیگری از همین مهرها آمده است که این مهر از دوران شاه عباس، بادامی بوده
و بعداً «مربع به محرابی» شده است (منشآت (نسخه خطی)، شماره ۳۴۵۵ مجلس، ص ۳۴۹).
این گفته‌ها همگی بر تغییر شکل مهر کوچک انگشتر در دوره شاه سلیمان صفوی صحه
می‌گذارند. به نظر می‌رسد، شکل مهر کوچک انگشتر تا پیش از جلوس ثانی شاه سلیمان مربع
بوده است و در فهرست اخیر سهواً نام شاه عباس و شاه سلیمان خلط شده است. اگر این

حدس درست باشد می‌توان اطمینان داشت که مهر کوچک انگشتر در فاصله کوتاهی (حدود ۱۰۷۸-۱۰۸۲ق.) در دو نوبت متوالی از مربع به بادامی و از بادامی به محرابی تغییر شکل پیدا کرده است.

تاکنون، از شاه عباس اول مهری با شکل مربع شناخته یا معرفی نشده است، اما از شاه صفی اول و شاه عباس ثانی مهرهای مربع کوچکی در دست است که می‌تواند نمونه‌هایی از مهر کوچک انگشتر در این دوران باشد (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۸۵، صص ۶۷ و ۷۱؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، صص ۳۶۴-۳۶۵؛ Rabino, 1951, pl48). از شاه سلیمان صفوی نیز مهری بادامی شکل موجود است که با اطمینان بیشتری می‌توان درباره آن اظهار نظر کرد و آن را مهر کوچک انگشتر دانست. سجع این مهر «بنده شاه دین سلیمان است» است و با متن یکی از فهرست‌های مهرهای شاه سلیمان مطابقت می‌کند (نک: کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۸۸؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۳۶۸؛ Rabino, 1951, pl49).^۱

مهر انگشتر کوچک

در مهرنامه شاه سلیمان صفوی، از دوازده مهر دیوان حکومتی صفوی یاد شده است، اما این تعداد در فهرست‌های مختصر از مهرهای شاه سلیمان در منشآت سلیمانی (نسخه‌های خطی شماره ۸۸۹۵ مجلس و ۶۲۹۳ ملک) به یازده مهر کاهش پیدا کرده است. از بررسی و مطابقت این رسالات معلوم می‌شود که این اختلاف از اختلاف در تعداد مهر انگشترهای شاه سلیمان صفوی پیش آمده است. در مهرنامه شاه سلیمان صفوی غیر از «مهر کوچک انگشتر» از مهری دیگر موسوم به «مهر انگشتر کوچک» نیز یاد شده است که در منشآت سلیمانی نیست (منشآت (نسخه خطی)، شماره ۳۴۵۵ مجلس، ص ۳۵۲). فهرست مهرهای مذکور در منشآت سلیمانی در واقع کوتاه‌نوشته‌ای از مهرنامه شاه سلیمان صفوی محسوب می‌شود و عطف به کتابت متأخر نسخه‌های موجود از آن می‌توان احتمال داد که مشابهت نام و کارکرد این دو مهر خلط شده باشد یا سهواً دو مهر انگشتر شاه سلیمان یکی پنداشته شده است. از این مهر در رساله دیگری که به سفارش شاه سلطان حسین از مهرهای شاه سلیمان تهیه شده است نیز با عنوان «مهر فصول» سخن رفته است (منشآت (نسخه خطی)، شماره ۳۴۵۵ مجلس، ص ۳۴۹)، اما در سایر منابع نشانه صریحی از آن دیده نمی‌شود.

مهر انگشتر کوچک در ویژگی‌های ظاهری و کارایی دیوانی تابعی از مهر کوچک انگشتر بوده است و به نوعی نمونه ثانی آن محسوب می‌شده است. در مجموعه مهرهای دیوانی صفویه نمونه‌های مشابه دیگری از این نوع مهرها نیز وجود دارد؛ مانند مهر نشان که

۱. مینورسکی در تعلیقات خود بر رساله تذکره الملوک مهر بیضی شکل ظفر فرمانی از مجموعه فرمان‌های سلطنتی موزة بریتانیا را با مهر انگشتر آفتاب اثر یا همان مهر کوچک انگشتر مطابق دانسته است (۱۳۷۸، ص ۱۱۹) که با استناد به اطلاعاتی که از این مهر در دست است درست به نظر نمی‌رسد.



لااقل در دوره شاه سلیمان دو نمونه کاملاً مشابه از آن وجود داشته است یا «مهر ثبت مهر شرف نفاذ» که به نوعی پیرو «مهر شرف نفاذ» بوده است.

مطابق مهرنامه شاه سلیمان صفوی، مهر انگشتر کوچک در دوره شاه عباس ثانی (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷ق.) ابداع شده است و مخصوص مهر کردن مواضع اختتام جواب‌های فصول بوده است. عنوان‌هایی که به خط شخص سلطان مکتوب می‌شد نیز با این مهر مزین می‌گردیده است. سجع مهر انگشتر کوچک، مانند غالب مهرهای دیگر سلاطین صفوی، شامل عبارت مشهور «بنده شاه ولایت + نام پادشاه» یا نظایر آن بوده است. با این حال، در جلوس ثانی شاه سلیمان صفوی از سجع «انه من سلیمان» برای این مهر استفاده شده است. این سجع، بخشی از عبارت «انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم» است که ظاهراً در مراسم تاج‌گذاری دوم شاه سلیمان مطرح شده و مورد استقبال قرار گرفته است.^۱

مهر انگشتر کوچک به شکل مربع و اندازه آن کوچک‌تر از مهر کوچک انگشتر بوده است. در کتاب مهرها و طغراها و فرمان‌های پادشاهان ایران دو مهر مربع از شاه عباس دوم معرفی شده است که بسیار شبیه به نظر می‌رسند (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۷۱). ممکن است بتوان این مهرها را مصداق مهر کوچک انگشتر و مهر انگشتر کوچک دانست. احتمال آن نیز هست که تغییر شکل مهر کوچک انگشتر در دوره شاه سلیمان صفوی برای تشخیص و تمایز این مهرها از یکدیگر انجام شده باشد.

در فهرست‌های موجود از مهرهای شاه سلیمان آمده است که مهر انگشتر کوچک را گاهی بر جواب‌های فصول می‌زنند و استفاده حقیقی از آن در سال ۱۰۸۲ق. خاتمه یافته است. بنابراین، اهمیت این مهر در نظام دیوانی صفوی اندک و عمر حقیقی آن بسیار کوتاه بوده است.

نتیجه‌گیری

اهمیت نقش دیوانی مهر انگشتر سلاطین صفوی به مسئله تفکیک وظایف منشی الممالک و تحویل بخشی از آن به شغل ابداعی واقعه‌نویس یا مجلس‌نویس در دوران شاه عباس اول مربوط می‌شود. شغل اخیر، بیشتر در جهت تنظیم احکام و ارقام و مکاتباتی بوده است که مستقیم یا غیرمستقیم از سوی پادشاه به صورت شفاهی صادر می‌شد و مهرانگشتر در مهور کردن این نوع از احکام کاربرد داشته است. این موضوع ممکن است به ضرورت تسریع برخی امور و تصمیم‌گیری‌های عاجل در دستگاه حکومتی صفویه مربوط باشد یا برای اصلاح و حذف برخی تشریفات دیوانی اعمال شده باشد. اگر این احتمالات درست باشد، میزان اهمیت مهر انگشتر سلاطین متأخر صفوی، که غالباً با اصطلاح «مهر کوچک»

۱. در مهرنامه شاه سلیمان صفوی و رسالات مشابه آن از مهری موسوم به «مهر ابداعی» یاد شده است که در جلوس ثانی او براساس عبارت مذکور شکل گرفته است و در همان ایام دو نمونه از آن ساخته شده‌بوده‌است (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۶، صص ۸۷-۹۳).



یا «مهر کوچک انگشتر» شناخته می‌شوند، در برابر مهرهای بزرگ حکومتی تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. لاقبل مهرداد مهر کوچک انگشتر، که در مشاغل مربوط به مهرداری با عنوان «دواتدار مهر انگشتر آفتاب اثر» معرفی شده است، نسبت به سایر هم‌تایان خود از جایگاه و مواجب و مزایای کمتری برخوردار بوده است. در عین حال، ایجاد منصب مهرداری برای این مهر، مؤید جایگاه و کارایی ویژه آن بوده است.

آگاهی‌های موجود نشان می‌دهد مهر انگشتر دیگری که در دوره شاه‌عباس ثانی ساخته و به «مهر انگشتر کوچک» موسوم شده است، در خصوصیات ظاهری با مهر کوچک انگشتر شباهت‌های زیادی داشته است و در واقع نمونه دومی از آن محسوب می‌شد. جایگاه دیوانی این مهر در سازمان اداری صفوی چندان روشن نیست، اما ظاهراً برای مدتی کوتاه جایگزین مهر کوچک انگشتر در تهیه جواب‌های فصول بوده است. از این مهر، در همین مدت کوتاه نیز به صورت نامنظم استفاده می‌شده است. بنابراین، می‌توان اطمینان داشت ضرورت و کارایی «مهر انگشتر کوچک» در نظام دیوانی صفوی تحت تأثیر سابقه و اهمیت «مهر کوچک انگشتر» به سرعت از دست رفته باشد. کنار گذاشتن این مهر در دوره شاه سلیمان نیز بر صحت این موضوع تأکید می‌کند.

منابع

- افوشه‌ای نظنری، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳). *نقاوة الآثار فی ذکر الاخبار* (احسان اشراقی، کوشش‌گر). تهران: علمی و فرهنگی.
- بوسه، هریرت (۱۳۶۷). *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی* (غلامرضا وره‌رام، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بیاضی صفوی (آداب نامه‌نگاری پادشاهان صفوی) (۱۳۸۷). (ایرج افشار، مصحح). *نامه بهارستان*، ۱۳-۱۴، ۲۳-۷۴.
- سانسون، نیکلاس (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون: وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی* (تقی تفضلی، مترجم). تهران: ابن‌سینا.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). *سفرنامه شاردن* (ج ۸). (محمد عباسی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۷۵). *زندگانی شاه عباس اول* (ج ۱-۲). تهران: علمی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۸۵). *مهرها، طغراها و فرمان‌های پادشاهان ایران*. لندن: مؤلف.
- منشآت سلیمانی (۱۳۸۸). (رسول جعفریان، کوشش‌گر). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.



منشآت (نسخه خطی). شماره ۳۴۵۵، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

منشآت (نسخه خطی). شماره ۸۸۹۵، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

منشآت (نسخه خطی). شماره ۶۲۹۳، تهران: کتابخانه ملی ملک.

میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق (۱۳۹۴). مُهر نامه شاه سلیمان صفوی، *گنجینه اسناد*، ۹۷، ۸۱-۹۵.

_____ (۱۳۹۴ ب). *آداب مهنر نویسی در دوره اسلامی* (از ایلخانان تا پایان قاجاریه).

تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

میرزا رفیعا، محمدرفیع (۱۳۸۵). *دستور الملوک* (محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، مصحح و کوشش گر)،

(علی کردآبادی، مترجم). تهران: وزارت امور خارجه.

میرزا سمیعا، محمدسمیع (۱۳۷۸). *تذکره الملوک* (سید محمد دبیر سیاقی، کوششگر). به انضمام: *سازمان اداری*

حکومت صفوی (تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک). (مسعود رجب نیا، مترجم)، تهران: امیرکبیر.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۸). *سازمان اداری حکومت صفوی* (مسعود رجب نیا، مترجم). تهران: امیرکبیر.

